

رفیق استالین خشن و گستاخ است ...

۲ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۵۶

لنین رهبر انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ و بنیادگذار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و طراح فرضیه مکمل مارکسیسم، معروف به «لنینیسم» وصیتنامه خود را که به همسرش «کروپسکایا» دیکته کرده بود ۲۹ دسامبر سال ۱۹۲۲ به پایان برد و امضاء کرد که سند تاریخی مهمی استکار تنظیم، دیکته کردن و اصلاح دوباره و سه باره این وصیتنامه که قرار بود در کنگره دوازدهم حزب کمونیست (آوریل ۱۹۲۳) مطرح شود یک هفته (۲۲ تا ۲۹ دسامبر) طول کشیده بود.

لنین رهبر انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ و بنیادگذار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و طراح فرضیه مکمل مارکسیسم، معروف به «لنینیسم» وصیتنامه خود را که به همسرش «کروپسکایا» دیکته کرده بود ۲۹ دسامبر سال ۱۹۲۲ به پایان برد و امضاء کرد که سند تاریخی مهمی استکار تنظیم، دیکته کردن و اصلاح دوباره و سه باره این وصیتنامه که قرار بود در کنگره دوازدهم حزب کمونیست (آوریل ۱۹۲۳) مطرح شود یک هفته (۲۲ تا ۲۹ دسامبر) طول کشیده بود. لنین یک ماه پیش از برگزاری این کنگره در دهم مارس ۱۹۲۳ دچار سکتة مغزی شد و از کار افتاد و همسرش برای پیشگیری از هرگونه تفرقه در کادر رهبری کشور، وصیتنامه را در یک صندوق گذارد و قفل زد و پس از فوت لنین آن را برای طرح در کنگره سیزدهم به چند تن از گردانندگان آن داد و از آنان قول گرفت که مفاد آن علنی نشود. لنین در این وصیتنامه خواسته بود که شمار اعضای کمیته مرکزی حزب افزایش یابد و حتی به یکصد تن برسد تا تصمیمگیری منحصر به چند نفر نباشد که خطرناک است. در این کمیته باید از اصطکاک افراد جلوگیری شود. باید از ایجاد شکاف و انشعاب در حزب پیشگیری گردد. باید حرفهای رفیق تروتسکی را، دست کم شنید. تصمیمات مربوط به برنامه ریزی ها باید به تصویب مجلس مقننه در آید و قانون شود تا از دستبرد تفسیر در امان باشد. اگر ثبات در حزب برهم خورد افول ما حتمی است. به نظر من روابط استالین و تروتسکی باید بهبود یابد که نسبت مستقیم با ثبات حزب و در نتیجه دولت و کشور دارد. اختلاف نظر این دو تن نباید به انشعاب در حزب بیانجامد. رفیق استالین به عنوان دبیر کل حزب (اگر در این سمت باشد) اختیارات زیاد به دست می آورد که من مطمئن نیستم بتواند از عهده آنها بر آید. من به توان فراوان رفیق تروتسکی تردید ندارم، ولی اوهم نباید وقت خود را در کارهای جانبی تلف کند. رفیق تروتسکی توانمندترین عضو در کمیته مرکزی حزب است. من نگران آن هستم که اختلافهای این دو رفیق به انشعاب در حزب و تضعیف آن بینجامد. بوخارین و پیاتاکف در میان چهره های تازه، افرادی قابل و توانمند هستند. در این وصیتنامه همچنین آمده بود: رفیق استالین مردی خشن و گستاخ است. تا اینجا زیاد بد نیست ولی با این خصلت ها، قابل تحمل به عنوان دبیر کل حزب نخواهد بود و رفقا باید به این موضوع توجه داشته باشند. رفقا باید برداشتن او را از دبیر کلی و انتخاب فردی دیگر را برای این سمت مورد توجه قرار دهند. ما باید افراد مستعد دیگری را برای احراز مقامات حزبی و اداری آموزش دهیم. ما در پنج سال گذشته در جهانی پر از دشمن، موفق شدیم طبقه

کارگر و کشاورز را به جایگاه خود برسانیم . ما ضمن بکار گیری ماشین اداری بازمانده از نظام سابق به این پیروزی ها رسیده ایم که با بهبود مدیریت ، پیشرفتهای ما بسیار چشمگیرتر خواهد بود. ماشین اداری یک جامعه باید خوب کار کند تا پیشرفت حاصل شود. ما باید عده بیشتری کارگر و کشاورز با استعداد را وارد کمیته مرکزی حزب کنیم تا خون تازه ای وارد شریانها شود. باید شدیداً مراقبت کنید که فرصت طلبان وارد صفوف شما نشوند که از درون متلاشی خواهید شد. شورا ها (ساویت ها) باید از نظر دور نباشند تا اعضای آنها به تدریج به صورت طبقه خاصه درنیایند و دست به افاده و استثمار دیگران زنند و اگر در این زمینه کوتاهی کنید؛ پیش از این که به سوسیالیسم کامل برسید ، این بنا ویران و نظام نابود خواهد شد و لنین در دو - سه مورد با اشاره و کنایه به جانشینان خود هشدار داده است که فراموش نکنند فرضیه مارکس را در کشوری پیاده می کنند که یکپارچگی فرهنگی و آمادگی لازم را نداشته و با کوچکترین غفلت، همه مساعی نقش بر آب خواهد شد.

«تاریخ» نشان داد که به وصیت های لنین نه تنها توجه نشد بلکه عکس آن صورت گرفت؛ استالین تا پایان عمر (مارس ۹۵۳) دبیرکل حزب و رهبر شوروی بود، تروتسکی را اخراج و تبعید و بعداً ترور کرد و هرکس را که لنین نام برده بود و تمجید کرده بود به گوشه ای راند و ... و به این سان بود که پیش بینی لنین که همانا فروپاشی نظام شوروی بود به تحقق پیوست.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۳۵۲/خشن-استالین-رفیقه>